



۲۰۱۳/۰۵/۲۰

داکتر سيدخليل الله هاشميان

اتهام های پوچ "ذکریا یوسفزی" توطئه دشمنان من است!

دوست محترمی در یک صحبت تلفونی به زبان پختو از جرمنی گفتند که چند سال قبل مقاله ای خوانده بودند که در آن از قول من (هاشمیان) انتقادات شدیدی بالای تاریخ و عنعنۀ پختونها روایت شده بود، و از من پرسیدند که اصل مقاله شما در کجا نشر شده و تقاضا نمودند تا یک کاپی مکمل آن مقاله را برای شان بفرستم. . . عرض کردم که در مدت ۲۵ سال مجله داری مقالات زیاد از قلم من نشر شده، اما بهتر خواهد بود جناب شما در بارۀ آن مقاله ای که چند سال قبل خوانده بودید کمی معلومات بمن بدهید تا ببینم از زبان یا قلم من چه چیزها نقل قول شده، آنگاه در زمینه معلومات کامل بشما تقدیم خواهم کرد. موصوف مهلت خواست و دو روز بعد ایمیلی بمن فرستادند و در ضمیمۀ آن "لینک" مقاله ای بود که در ویبسایت "پژوهش سرای تاریخ افغانستان" بقلم شخصی بنام "ذکریا یوسفزی"، از شهر مونشن به تاریخ ۱۳ اپریل سال ۲۰۰۹ نشر شده و تصویر شخص مذکور نیز در اول مقاله دیده میشود. کود ویبسایت مذکور ازین قرار است: WWW.AFGHANISTANHISTORY.NET هر قدر به تصویر "ذکریا یوسفزی" دقت کردم او را نشناختم، تصویرش او را آدمی عصبی و در حال خشم نشان میدهد، وقتی به متن مقاله رجوع نمودم دریافتم که نویسنده ابتدایی است، و طبعا کم سواد، چونکه نوشتن نام خود را یاد نگرفته و (ذکریا) را (ذکریا) نوشته است، در حالیکه نام حضرت (ذکریا) در سورۀ (مریم) چند بار به / ز / نوشته شده نه به / ذ / . هکذا مقاله او را که چهار سال قبل نشر شده، بار اول امروز خواندم، ورنه در همان وقت روی این تقلب کار و دروغگو را سیاه می ساختم .

مقاله طویل او را که ظاهراً بدفاع از قوم پختون نوشته شده خواندم و کاملاً مطمئن شدم که او از جمله پیروان ایدئولوژی کمونستی می باشد که بعداً به گروه "خراسان طلبان" پیوسته و آله دست قرار گرفته تا تاریخ و زعما و قوم شریف پختون را آنطوری که خودش می خواهد از قلم دیگران ناسزا و لاطیلات بگوید - سیاق نوشتار "ذکریا یوسفزی" نیز به لاطیلاتی مشابهت دارد که خراسان طلبان به دفعات در بارۀ تاریخ و قوم شریف پختون نوشته و نشر کرده اند. "ذکریا یوسفزی" خودش را ظاهراً و به قسم یک تکتیک بسیار طفلانه به حیث یکن از مدافعان قوم پختون جا زده و هاشمیان را که موقوف و نوشته های او به ارتباط حقوق پختون ها اظهر من الشمس است در جمله بد خواهان و انتقاد کنندگان قوم پختون انتخاب نموده، و از قلم هاشمیان چیزهایی نقل قول کرده که ابداً در حیاتش چنین چیزهایی ننوشته است - من از مقاله طویل "ذکریا یوسفزی" فقط آن قسمت آنرا ذیلاً اقتباس میکنم که در آن از هاشمیان نقل قول شده است تا هموطنان محترم بخوانند و ببینند که در ویبسایت های بی مسئولیت چه تهمت ها و اراجیفی بالای نویسندگان افغان نشر شده است:

*** ماده الف - ۲ : در وجود نویسندگان متعصب افغانی: دشمنان افغانستان در وجود نویسندگان متعصب ما چنان دشمنی را در بین ملت واحد و یکپارچه ما بمیان آورده اند که این بنوبه خود از هر دسیسۀ دیگر خطرناکتر بوده و بالای روشنفکران ما که آینده سازان جامعه ما هستند تاثیر بسیار بد داشته و از طریق آنها به اقشار دیگر جامعه انتقال نموده و تهداب آرامی و ترقی افغانستان را از بین می برد. درین جا چند نمونه از نوشته این نویسندگان بدون کم و کاست آن تحریر گردیده و قضاوت آنرا به شما خوانندگان عزیز می گذارم. یکی ازین دشمنان وحدت افغانستان آقای پروفیسور (۱) سید هاشمیان است، و وی می نویسد: "سنگ بنای دولت معاصر افغانستان بر اساس نژاد پرستی قبیلوی، خشونت طلبی، وحشت گرایی، لشکرکشی، تاراج، غارت، نسل کشی، کوچاندن اجباری، فرهنگ سنیزی، تمدن سنیزی، ناموس سنیزی و لوطی گری بدست جنگ سالار کبیر احمد شاه درانی ملتانی در دو صد و شصت سال قبل گذاشته شد." در جای دیگر می نویسد: "آیا پشتونها یا اوغان تازه ترین قبایل مهاجم و کوچ نشین در سرزمین خراسان نیستند؟ این درحالی است که تا هنوز زادگاه تاریخی و نژادی قبایل پشتون یا اوغان زیر سوال قرار دارد، پشتونها از لحاظ تاریخی خود قبایل مهاجم، اشغالگر، و غیر بومی هستند. آیا قبایل پشتون کوچ نشین، خیمه نشین و فرهنگ سنیز نیستند؟" او اینجا باز می نویسد: "پشتون ها یگانه مردمی هستند که میان وطنپرست و وطنفروش، جنایت کار و شریف قبیلۀ خود تفاوت قایل نیستند، هرکه پشتون است ولو هر قدر

بدنام و خیانت کار و خاین و وطنفروش هم باشد، در زیر سایه پشتونولی، فرزند پر افتخار شناخته می شود.^۱ ولی این با اصطلاح پروفیسور از یاد می برد و هم چشمان نابینا و ضمیر ناپاک وی اینرا دیده نمی تواند که چطور نویسنده های پشتو زبان در مورد جنایت طالبان که اکثر تشکیلات شان از طرف پاکستانی ها و انگلیس ها دسیسناً از بین پشتون ها ساخته شده، انتقاد نموده اند و هم چقدر در مورد خیانت های آقای کرزی و اداره بدنامش پشتونها هر روز تحریر می نمایند، و آیا دکتور نجیب الله پشتون نبود که توسط طالبان بسیار بشکل وحشیانه و ناجوا نمردانه بقتل رسید؟ در نزد من فقط یک چیز روشن است که طالبان و افراد خاین در میان پشتون ها، و شما آقای پروفیسور هاشمیان، و امثال شما از یک منبع تغذیه شده و مشوره می گیرید، یعنی از انگلیس ها. باز آقای هاشمیان می نویسد:

" اولاده وحشی، بی فرهنگ و بی هویت که امروز غرق در وحشت و مزدوری بدست شریترین قدرت های استعمار عصر هستند، فکر می کنند می توانند با وحشت افگنی، گروگانگیری، قاچاق مواد مخدر، فرهنگ ستیزی، خود را از بحران هویت و زوال نجات خواهند داد؟^۲ خود این پروفیسور نشان دهد که در کجا و در کدام وقت جنایات، قتل ها، بی ناموسی، فرهنگ ستیزی، خیانت کاری، وطنفروشی، دزدی، چور و چپاول دارایی های عامه، تخریب وطن، از بین بردن اداره و قوای مسلح وطن و غیره اداره آقایان ربانی، احمد شاه مسعود، فهیم، حزب وحدت و دوستمی ها، نوشته است؟ وی در حالیکه در هیچ جا در مورد اعمال آنها یاد آوری ننموده، نزد وی آنها افراد بی هویت هستند و یک قوم در مجموعش بی هویت، شما خود قضاوت نمائید، خوانندگان محترم."^۳

حالا که هموطنان محترم نقل قول های جعلی و دروغین را از قلم هاشمیان خواندید (قلم باین خاطر که "ذکریا یوسفزی" از نوشته های هاشمیان نقل قول کرده)، و از آنجائیکه "ذکریا یوسفزی" را نمی شناسم و با او مراوده قلمی و فرهنگی نداشته ام، سوالات من از متصدی محترم (ویبسایت پژوهش تاریخ افغانستان) ازین قرار است: (۱) من از سال ۱۹۸۸ تا امروز مجله ای بنام (آئینه افغانستان) در کلفورنیا نشر می کنم که در حلقه های مهاجرین افغان در امریکا، اروپا، هندوستان و پاکستان و هم بداخل افغانستان توزیع شده و نسخه های مکمل آن در "کتابخانه کانگرس امریکا در واشنگتن" موجود است. ۹۸ فیصد مقالات سیاسی، ادبی، انتقادی و فرهنگی که من نوشته ام در همین مجله نشر شده اند. دو فیصد متباقی مقالات من قسمت اعظم آن در ویبسایت وزین (افغان جرمن آنلاین)، چند مقاله در ویبسایت (آزاد افغانستان) و درین اواخر چند مقاله در ویبسایت وزین (آسمایی) و یکی دو تا هم در ویبسایت وزین (دعوت) و (لراو بر) نشر شده اند. الحمدلله افغان ها در هر جای دنیا که هستند هاشمیان و موقف سیاسی او را می شناسند. من به جهر بلند می گویم که در هیچ یک از مقالات خود کلمات و الفاظی که "ذکریا یوسفزی" از قلم من نقل قول کرده، ننوشته ام. هموطنان گرامی و اهل مطبوعات و اهل قلم حتماً می دانند که این نوشته ها و این نقل قول ها از قلم من و شیوه نگارش من نبوده و نیست. اصولاً سابقه علمی و فرهنگی من اجازه نمی دهد که چنین اراجیف سر تا پا غلط و دروغ، بی محتوا و ناسزا و دشنام های رکیک را بیک قوم شریف، قومی که افغانستان نوین را بنیاد گذاشته و به حضرت احمد شاه بابای درانی مؤسس کشور و نام نامی افغانستان، نسبت بدهم. علاوتاً روحیه من روحیه ضد پختونی و ضد احمد شاه درانی نیست. در طول ۲۵ سالی که من متصدی مجله آئینه افغانستان بوده ام، اکثر مقالات سیاسی من در حمایت از قوم نجیب پختون بوده و هر نوشته و هر مقاله من چون خنجری متوجه قلب آنانی بوده است که بر تاریخ، هویت و فرهنگ قوم آزادی دوست و با غیرت پختون تاخته اند - آنهایی که این قوم را با نام های مستعار و یا اصلی خود در جراید و مجلات و ویبسایت های انترنتی اجیر خود، تخریب و توهین کرده اند.

منظورم گروه ضد پختون است که گاهی به نام های مستعاری چون (عبدالله رها)، (علی یاور)، (حشمت الله سائل)، (آدمخان یوسفزی)، (انجنیر عظیم الله)، (درویش دریدالی)، و غیره بر ضد پختون ها لاطایلات می نویسند - و کسان دیگری هم بنام خود از قبیل (رحمت الله بیژنپور)، (پوهنمل نصیرکامجو)، (دستگیر پنجشیری)، (بشیر بغلانی)، (لطیف پدرام)، (داکتر لعل زاد)، (داکتر نورالحق نسیمی)، (نعیم کبیر)، (اصیل دولت شاهی)، (خواجه بشیراحمد انصاری)، (محمد قوی کوشان)، (داکتر فرید یونس) و غیره برضد پختون ها مقالات و بیانات نشر می کنند - اگرچه آنهایی که بنام خود ضدیت می کنند به اساس آزادی فکر و بیان، بیانگر نظرات خود می باشند- اما اینها بطور عموم در نوشته های خود کلمات و اصطلاحاتی چون "فرهنگ ستیزان"، "قبیله گرایان"، "قبیله سالاران"، "عظمت طلبان"، "وطنفروشان"، "خاینان"، "نوکران انگلیس"، "اجیران بیگانه"، "نوکران پاکستان"، "غارترگران"، "حاکمان غاصب"، "باباهای جاهل" و غیره و غیره را بکار می برند. هدف از کاربرد تمام این اصطلاحات یک چیز و آن توهین به قوم شریف پختون می باشد.

۲) گفتنی است که ویبسایت (خاوران) بخاطر موقف حق بجانب من برای دفاع از حقوق حق پختونها، چند بار تهمت های ناروا و دشنام بمن حواله کرده و مرا "طالب" و "پیرو طالبان" خوانده است. من طالب نیستم و جهان بینی من اجازه نمی دهد طالب یا پیرو طالب باشم. اما از حق و حقیقت بیدریغ دفاع کرده و می کنم.

۳) در حالیکه "ذکریا یوسفزی" در متن و اخیر مقاله خود ریفرنس نداده و ننوشته که از کدام مقالات من که در کجا و کی نشر شده؟ مطالب فوق را اقتباس کرده است، و من نمی خواهم با او مراوده قلمی داشته باشم، آیا این وظیفه متصدی پورتال (پژوهش برای تاریخ افغانستان) نبود که قبل از نشر مقاله مذکور از "ذکریا" می پرسید که آن مطالب را از کدام منابع اقتباس کرده است؟ چون "ذکریا" مأخذ نداده، متصدی مذکور یقیناً هاشمیان را می شناخت، چرا قبل از نشر این دروغ ها و لاطیلات، از هاشمیان نپرسید که آیا این مطالب را شما نوشته اید، کی و در کجا؟ نشر اکاذیب و افتراء و دروغ به منظور تخریب یک شخصیت حقوقی و حقیقی بذات خود در تمام قوانین رسانه ای در دنیا جرم پنداشته می شود و مسئولین چنین رسانه ها جوابده آن می باشند.

۴) پس معلوم می شود که متصدی ویبسایت مذکور نیز درین توطئه و تقلب همکار و شریک بوده است، علاوه او مسئولیت خود را بحیث متصدی یک ویبسایت اطلاعات عامه اغفال نموده و درعوض "پژوهش برای تاریخ افغانستان؟"، تقلب و دروغگویی را برای تاریخ افغانستان جمع آوری و نشر کرده است! من نمی دانم که ویبسایت مذکور بکدام کشور اقامت دارد، ولی حق قانونی من محفوظ است که در هر کشوری که ویبسایت مذکور نشرات دارد، در آنجا اقامه دعوی نمایم و از هموطنان محترم تقاضا می دارم تا نام متصدی و موقعیت ویبسایت مذکور را بمن افشاء نمایند.

۵) شخصی بنام (استاد صبا) با نامهای مستعار (سنگ شکن)، (اسکاری)، (دوشیچی) و غیره قبلاً در چند ویبسایت مقالاتی نشر کرده بود، چند ماه قبل بکمک و توجه و همت آقای شکرالله شیون متصدی ویبسایت (آریایی)، دزدی و تقلب او افشاء شد که آثار قلمی نویسندگان دیگر را بنام خود در ویبسایتها به نشر می سپرد- و بعداً همان دزد (استاد صبا) با پشتاره اش در پورتال وزین (افغان جرمن آنلاین) به حیث دزد و تقلب کار بمردم و اهل مطبوعات معرفی گردید. اینک "ذکریا یوسفزی" دومین تقلب کار توسط هاشمیان به جامعه افغانی معرفی می شود - و اگر متصدی ویبسایت "پژوهش تاریخ؟" خودش درین دسیسه شامل نباشد و شهادت اخلاقی داشته باشد، باید با احساس مسئولیت در زمینه همکاری نماید.

۶) در صورتیکه متصدی ویبسایت (پژوهش برای تاریخ افغانستان؟) مانند اخلاق و شرافتی که جناب آقای شکرالله شیون متصدی پورتال (آریایی) نشان دادند، برای افشاء تقلب "ذکریا یوسفزی" از همکاری اخلاقی و مطبوعاتی کار بگیرد، و مقاله تقلبی و ساختگی "ذکریا یوسفزی" را که یک قسمت آن در بالا اقتباس شده، کاملاً از آرشیف ویبسایت خود زایل سازد، در آنصورت به آن مقوله معروف اکتفا می کنم که: "لذتیکه در عفو است در انتقام نیست."

۷) "ذکریا یوسفزی" شاید به قوم پختون باشد، اما از جمله انگشت شمار پختونها است که در خدمت "خراسان طلبان" قرار گرفته و مقاله او یک توطئه و دسیسه است که توسط او ظاهراً به دفاع از پختون ها، ولی درحقیقت برای تحقیر، توهین و بدنامی پختون ها نوشته شده است. آن عده هموطنان ما که به مسایل تاریخی مطالعه و دسترس دارند، باید مقاله "ذکریا یوسفزی" را بخوانند تا متیقن گردند که این مقاله هدف تخریبی دارد نه دفاعی. علاوه از آثار یک عده نویسندگان دیگر نیز درین مقاله نقل قول شده که شاید تقلبی باشند. چون اول و اساس مقاله "ذکریا یوسفزی" به دروغ و تقلب گذاشته شده، موجودیت آن مقاله در ویبسایت "پژوهش تاریخ؟" - بعد از این افشاء گری مستند - حیثیت و اعتبار ویبسایت مذکور را زایل می سازد.

ختم

با تقدیم احترامات بهمه ویبسایت های افغانی
داکتر سیدخلیل الله هاشمیان